

سری

دو خانه دو خاموش گویا



مجموعه اشعار از
کلارا جانس و احمد شاملو

ع. پاشایی



انتشارات یساول

پاشایی، عسکری، ۱۳۱۸ -
 دو خانه، دو خاموش گویا
 خوانش دو شعر از کلارا خانس و احمد شاملو / نویسنده ع. پاشایی.
 تهران: یساولی، ۱۳۹۹ / ۱۳۶ ص. ۲۱×۱۴ س.م.
 فهرست‌نویسی بر اساس اطلاعات فیبا. ۸-۱۱۲-۳۰۶-۹۶۴-۹۷۸
 ۱. خانس، کلارا، ۱۹۴۰ م. -- نقد و تفسیر
 ۲. Janés, Clara, 1940- -- Criticism and interpretation
 ۳. شاملو، احمد، ۱۳۰۴ - ۱۳۷۹ -- نقد و تفسیر
 ۴. Shamlu, Ahmad -- Criticism and interpretation
 ۵. شعر اسپانیایی -- قرن ۲۰ م. -- تاریخ و نقد
 ۶. Spanish poetry -- 20th century -- History and criticism
 ۷. شعر فارسی -- قرن ۱۴ -- تاریخ و نقد
 ۸. Persian poetry -- 20th century -- History and criticism
 ۸۶۱/۶۲ PQ
 ۶۱۰۸۵۸۹ بختانه ملی ایران

دو خانه دو خاموش گویا

خوانش دو شعر از کلارا خانس و احمد شاملو

نویسنده: ع. پاشایی

صفحه‌آرا: واحد گرافیک انتشارات یساولی (مریم خاوری)

لیتوگرافی: نقش آفرین

چاپ اول: ۱۳۹۹، چاپخانه رنگ پنجم

تیراژ: ۱۵۰۰ نسخه

انتشارات یساولی

تهران: خیابان انقلاب، بازارچه کتاب، طبقه زیرین. تلفن: ۶۶۴۶۱۰۰۳ نمابر: ۶۶۴۱۱۹۱۳

تهران: خیابان کریم خان، پلاک ۷۸، تلفن: ۸۸۳۰۰۴۱۵ نمابر: ۸۸۸۳۲۰۳۸

شابک: ۹۷۸-۹۶۴-۳۰۶-۱۱۲-۸

www.yassavoli.com

info@yassavoli.com

حق چاپ محفوظ

دو خانه، دو خاموش گویا



فهرست مطالب

مقدمه:

خوانش چیست؟ ۸

راوی و حاکی ۱۱

خانه‌ی مازندران

شعر از ک. راخانس شاعر اسپانیایی

در زمان شب

۱. بیخود ۱۲

۲. خوانش پله به پله ۳۶

پیش‌طرح‌ها ۵۲

۳. شهود کالبدیافته ۶۷

۴. دمیدن سپیده، شکفتن شعری از زهدان ش. ۷۱

در خانه‌ی مازندران ۷۰

این شب، این خانه ۷۳

خاموش شب ۷۶



ترانه‌ی آبی

شعری از احمد شاملو

آبگینه‌خانه‌ی خاموش گویا

۱. یادها ۸۵

۲. بر درگاه ۹۰

۱. خیانتش پله به پله‌ی ترانه‌ی آبی ۹۳

شعر: ترانه‌ی آبی ۹۳

پله به پله، طاق به طاق ۹۸

صحنه‌آبی ۹۸

تغر راوی ۹۹

امیرزاده‌ی کاشی ۱۰۴

دوزمان، دوصدا: رای و ریکی ۱۰۴

۴. در این حوضخانه ۱۱۵

حوضخانه ۱۱۶

طاق طاقی ۱۱۷

چهارپیکر ۱۲۱

۱. امیرزاده‌یی تنها ۱۲۱

۳-۲ فواره‌ی خرد و اطلسی‌ها ۱۲۴

۴. روز ۱۲۶

آیین‌های شش‌گوش کاشی ۱۲۹

چشم‌های بادام تلخ ۱۳۱

در هم سرشته شدن ملکول‌ها در آبگینه‌خانه‌ی آبگون ۱۳۲

اشک‌های آبی ۱۳۳



مقدمه

خوانش چیست؟

خوانش، این - خوانش شعر، بدهستان یا کنش دوسویه ویافت و «اندریافت» شریافتن، یعنی ملکول‌های زبان مکتوب است. و این کنش، اندیشیدن است برای فهمیدن کامی متن؛ بررسی دقیق و کنجکاوانه‌ی چیزهاییست که متن آشکارا یا در پند می‌گوید.

این کار در دو قدم انجام می‌گیرد. قدم اول مشاهده‌ی دقیق حقایق و ریزه‌کاری‌ها و جزئیات، به زبان این خوانش، ملکول‌های آن متن است همراه با کسب استنتاج‌های منطقی به دلخواه، از آن‌ها. و نیز گفتگو با متن است که به صورت پرسش و پاسخ انجام می‌گیرد. خواننده این‌جا باید برای هر استنتاجش از متن شاهد بیاورد. از این‌جا در این کنش در هر گام می‌ایستد و به اجزا و ملکول‌ها و به شیمی یا پیوند آن‌ها می‌نگرد.

قدم دوم «تعبیر»^۱ متن است. تعبیر، گذشتن از برداشت از برونه، از بیرون واژگان شعر و پیمودن و رسیدن به درون، به درون‌های آن‌ها، به ساختار و به «یافت» آن ملکول‌ها. به عبارت دیگر، تحلیل و بسط اجزای بیست که خواننده در قدم اول در خوانش شعر به آن‌ها رسیده، آن‌ها را می‌تواند به دیده و دریافته است. پس او در این کنش از لایه‌های بیرونی آن اجزا عبور می‌کند و به عمق رویدادها و خیالینه‌های متن می‌رسد. پس، کارش عمق بخشیدن و گسترده کردن فهم عمیق و تعبیر دقیق بند بند متن است.

می‌توان پرسید این‌جا چرا چنین گذشتن از بیرون به درون، به عمق،

۱. interpretation. «تعبیر» از ریشه‌ی «عبور» نه «عبارت».



ضروری است؟ برای این که در شعر، کلمات، یا دقیق‌تر بگوییم، ملکول‌ها، درازنایی دارند به طول زمانی - تاریخی آن واژه که همه همیشه به عمق، به میان این چنین، به ناف آن می‌روند. پوسته‌های بیرونی کلمات همان آشناهای هر روزی ما هستند اما شعر نگاهش یا راهش به مغز و دِلّه‌ی آن‌هاست، به درازنای زمان آن‌ها، به فرم زمان‌مند آن‌ها، به ژرفای درون‌کشیدگی (intensity) آن‌ها.

او، خواننده، این‌جا در شخصیت‌ها، انگیزه‌ها، و در عمق دلالت‌ها یا معانی و مفاهیم ضمنی یا تلویحی (intension) کلمات، مفاهیم و نمادهای متن، کندوکاو می‌کند. از یاد نبریم که این همه مبتنی بر کلمات آن متن، یا فهم اشارات متن است در چارچوب معنادار خود آن‌ها، یا تصور معناییست که منظور عرف بود است. اما این کار مغایر این نکته نیست که خواننده باید از معنی کلمات فراتر برود تا معانی و مقصود ناگفته، یا ضمنی و تلویحی آن‌ها را در آن شعر، این‌جا شعر، پیدا کند. چرا که او می‌کوشد کلمات را از تمام زوایا، از شش جهت بالا، پایین، و جوانب، ببیند و بشناسد.

به بیان دیگر. خوانش: «ایستادن برای فکر کردن» است، توقف روی تک‌تک ملکول‌های شعر است، بارها و بارها. لا و پایین رفتن از همه‌ی پله‌های شعر و ایستادن در پاگردهای آن است آرامش دل و جان و بی هیچ شتابی. حاصل کار امیدواریم به شکلی «خوانش خلاق» باشد. به زبان تمثیل، خوانش گشتن و گذشتن از تمامی طوق چرخ شعر است، سپس نمودن پره‌های آن و پس آن‌گاه خانه کردن در «ناف» آن است، و از آن‌جا به تماشا بردن آن است.

